

**انهدض عاشورا**یی در دوران دفاع مقدس چراغ راه و نقطه اتکای رزمندگان بود. اتکا به قیام امام حسین (ع) در ساحت مختلف خودش را نشان می داد؛ گاه در سنگر، گاه در خط مقدم و گاه در اسارت. برای آزادگانی که سال‌های زیادی را در اسارت دشمن بودند، تنها نقطه رهایی بخش و امیدوارکننده تأسی به فرهنگ عاشورایی بود. آنها از نهضت سیدالشهدا(ع) درس‌های زیادی می گرفتند و با به کار بستن در زندگی ششان در اسارت، سبک زندگی تازهای از مقاومت را به وجود می آوردند. سبک زندگی‌ای که خوت و تأامیدی جایی در آن نداشت. آزاده و نویسنده، عبدالمجید رحمانیان تنها عامل نجات‌بخش آزادگان در روزهای سخت اسارت را ارادت به امام حسین (ع) می داند. رحمانیان در گفت‌وگو با «جوان» تصویر روشنی از حال و هوای آزادگان در ماه محرم و تأثیر سوگواری برای سید و سالار شهیدان بر آزادگان را بیان می کند.

بود. در اردوگاه موصل، تبلیغات فرهنگی، تجمع بیش از سه نفر، برگزاری دعا، سرود و تئاتر ممنوع بود و عقوبت سنگینی هم در پی داشت. قلم و کاغذ که ابزار اولیه حیات فرهنگی هستند، ممنوع بود. عراقی‌ها تبلیغات زیادی راه می انداختند و روزنامه‌های خودشان را همراه یک هفته‌نامه فارسی از منافقین برایمان می آوردند. یک تلویزیون هم بود که باید روشن می گذاشتیم و یک کاتال اخبار مربوط به عراق برنامه داشتند. گوش و چشم ما را با خوراک تبلیغاتی شان پر کرده بودند و ممنوعیت‌ها و از راه می‌رفتند. ما هم ساعت هم منافقین یک طرف تبلیغاتشان را به ما حقته می کردند. یک بلندگو در آسایشگاه نصب کرده بودند و سخنرانی کسانی که از ایران فرار کرده بودند را برایمان پخش می کردند و باید به اجبار سخنرانی‌ها را گوش می کردیم. یا تانه‌های خواننده‌هایی که از ایران فرار کرده بودند را پخش می کردند البته موقع نماز، اذان و قرآن پخش می کردند ولی تمام برنامه‌های تبلیغاتی و فرهنگی‌شان را آواری برنامه‌ریزی کرده بودند که باعث شست‌وشوی مغزی‌مان شود. اگر کسی شرایط ممنوعیت‌ و محدودیت‌ را رعایت نمی کرد شکنجه می شد و به زندان اردوگاه می رفت. یک بار از یکی از دوستانمان به نام اصغری یک مداد کوچک که به اندازه یک بند انگشت گرفته بد و دلیل همین مداد او را به زندان اردوگاه کردند و کتک مفصلی زدند. حتی در حیاط اردوگاه سکوپی درست کرده بودند تا تئاترهایی در جهت حکومت بعث اجرا کنیم. در این شرایط ما باید هم تبلیغات دشمن را خشتی می کردیم و هم خودمان به یک سازماندهی فرهنگی می‌رسیدیم.

دستان نمی‌رسد و دشمن می‌خواهد فضای کسل‌کننده به‌وجود بیاورد و بلندگو، تلویزیون و روزنامه‌هایش فشار فکری می‌آورد. باید این کارها را خنتی می‌کردیم. فعالیت‌های فرهنگی ممنوع بود و برای انجام کارها باید نگ